

تحلیل کیفری چستی عدم جرم انگاری حجاب برای مردان در نظام جزایی ایران

(تاریخ دریافت ۱۴۰۲/۰۵/۱۷، تاریخ تصویب ۱۴۰۲/۱۰/۱۲)

دکتر حسین یاراحمدی^۱

طاهره فرهادی آذر

چکیده

حجاب و لزوم پوشیدگی زن در برابر مرد نامحرم از مسائل مهم اسلامی است و گفته می‌شود در قرآن به این مسئله تصریح شده است. فقیهان شیعه می‌گویند مسئله حجاب از مسلمات و واجبات و بلکه از ضروریات دین اسلام است. دین مقدس اسلام نیز متناسب با ویژگی‌ها و تفاوت‌های تکوینی زن و مرد، احکام و تعالیم نورانی خود را تشریع کرده است؛ مثلاً برای حفاظت مردان از مفاسد ناشی از حساسیت بیشتر آنان نسبت به محرک‌های چشمی شهوت انگیز، آنان را به مراقبت و کنترل بیشتر چشم در مواجهه با نامحرم مأمور کرده است. در راستای رعایت حجاب برای مردان و لزوم عمل به آن باید توجه داشت در واقع مردان نیز دارای حدودمرزی برای پوشش خود هستند که برای حفظ حریم‌های عفت در جامعه، باید آن را در نظر بگیرند اما در خصوص جرم انگاری چنین الزامی هنوز دستورالعمل و قانون خاصی وجود ندارد. به همین دلیل در مقاله حاضر قصد داریم به عدم جرم انگاری حجاب برای مردان در نظام جزایی ایران بپردازیم. روش تحقیق از نوع تحلیلی-توصیفی است و ابزار گردآوری اطلاعات و داده‌ها فیش برداری می‌باشد.

واژگان کلیدی: رعایت حجاب، حجاب زنان، عفت عمومی، جرم انگاری حجاب، حجاب مرد

^۱ نویسنده مسئول

بخش اول: بررسی و تحلیل حجاب و فلسفه رعایت آن

کلمه حجاب از ریشه "ح ج ب" است. برخی گفته‌اند: "الحجاب ما حَجَبَ به شیءٌ من شیءٍ"^۱ حجاب آن چیزی است که بواسطه آن چیزی از چیزی در حجاب قرار می‌گیرد. و در جای دیگر این چنین معنا کرده‌اند: "اصل الحجاب الستر الحائل بین المرائی و المرئی"^۲ حجاب پرده ای است که میان بیننده و آنچه می‌بیند حائل می‌شود. برخی این چنین تعریف کرده‌اند: "الحجاب هو الحائل الحاجز المانع عن تلاقی شئیْنِ أو أثرهما، سواءً كانا مادیین او معنویین او مختلفین و سواءً كان الحاجب مادیاً او معنویاً"^۳ از این منظر حجاب حائل میان دو چیز است که مانع تلاقی آن دو یا اثرگذاری آن دو برهم می‌شود. حال این دو چیز می‌توانند مادی باشند یا معنوی. یا اینکه یکی مادی و دیگری معنوی. پس به طور خلاصه می‌توان گفت: "الحجاب المنع من الوصول"^۴ آنچه مانع رسیدن می‌شود حجاب است.

بند اول: شناخت حجاب در اصطلاح

"استعمال کلمه حجاب در مورد پوشش زن یک اصطلاح نسبتاً جدید است. در قدیم و مخصوصاً در اصطلاح فقها کلمه ستر به معنی پوشش، به کار رفته است. فقها چه در کتاب الصلوه و چه در کتاب النکاح، متعرض این مطلب شده و کلمه ستر را به کار برده‌اند نه حجاب را. بهتر این بود که این کلمه عوض نمی‌شد و ما همیشه همان کلمه پوشش را به کار می‌بردیم زیرا چنانچه گفته شد معنی شایع لغت حجاب، پرده است و اگر در مورد پوشش به کار برده می‌شود به اعتبار پشت پرده واقع شدن زن است و همین امر موجب شده که عده زیادی گمان کنند، اسلام خواسته که زن همیشه پشت پرده و در خانه محبوس باشد و بیرون نرود"^۵

^۱ فراهیدی، خلیل بن احمد، لسان العرب، ج ۲، ص ۱۸۳

^۲ همان، ج ۱، ص ۲۹۸

^۳ طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، ج ۲، ص ۳۴

^۴ طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، ج ۲، ص ۳۴

^۵ مطهری، مرتضی، مسأله حجاب، ص ۶۴

بند دوم: فلسفه و چیستی رعایت حجاب

بدون شک در عصر ما که بعضی نام آن را عصر برهنگی و آزادی جنسی گذارده اند و افراد غریزه، بی بند وباری زنان را جزئی از آزادی او می دانند، سخن از حجاب گفتن برای این دسته ناخوشایند و گاه افسانه ای است متعلق به زمانهای گذشته. ولی مفاسد بی حساب و مشکلات و گرفتاریهای روز افزون که از این آزادی های بی قید و شرط به وجود آمده، سبب شده که تدبیراً گوش شنوایی برای این سخن پیدا شود. مسأله این است که آیا زنان (با نهایت معذرت) باید برای بهره کشی از طریق سمع و بصر و لمس - جز آمیزش جنسی - در اختیار همه مردان باشند و یا باید این امور مخصوص همسرانشان گردد؟ اسلام می گوید کامیابی های جنسی، اعم از آمیزش و لذت گیرهای سمعی و بصری و لمسی مخصوص به همسران است و غیر از آن گناه و مایه آلودگی و ناپاکی جامعه می باشد که جمله «ذَلِكْ اَزْوَكَیْ لَهِمْ» در آیه ۳۰ سوره نور اشاره به آن است.^۱ فلسفه حجاب امر مکتوم و پنهانی نیست زیرا:

۱- برهنگی زنان که طبعاً پیامدهایی همچون آرایش و عشوه گری و امثال آن را به همراه دارد؛ مردان خصوصاً جوانان را در یک حال تحریک دائم قرار می دهد؛ تحریکی که سبب کوبیدن اعصاب آنها و ایجاد هیجان های بیمار گونه عصبی و گاه سرچشمه امراض روانی می گردد. مخصوصاً توجه به این نکته که غریزه جنسی نیرومندترین و ریشه دارترین غریزه آدمی است و در طول تاریخ سرچشمه حوادث مرگبار و جنایات هولناکی شده تا آنجا که گفته اند: «هیچ حادثه مهمی را پیدا نمی کنید مگر اینکه پای زنی در آن در میان است.» آیا دامن زدن مستمر از طریق برهنگی به این غریزه و شعله ور ساختن آن بازی با آتش نیست؟ آیا این کار عاقلانه ای است؟

۲- آمارهای قطعی و مستند نشان می دهد که با افزایش برهنگی در جهان، طلاق و از هم گسیختگی زندگی زناشویی در دنیا به طور مداوم بالا رفته است، زیرا در «بازار آزاد برهنگی» که عملاً زنان به صورت کالای مشترکی «لااقل در

^۱. نور، ۳.

مرحله غیر آمیزش جنسی» در آمده اند قداست پیمان زناشویی مفهومی نمی تواند داشته باشد.

۳- گسترش دامنه فحشاء و افزایش فرزندان نامشروع از دردناکترین پیامدهای بی حجابی است و دلایل آن مخصوصاً در جوامع غربی کاملاً نمایان است.

۴- مسأله «ابتذال زن» و «سقوط شخصیت او» در این میان نیز حائز اهمیت فراوان است، هنگامی که جامعه زن را با اندام برهنه بخواهد طبیعی است روز به روز تقاضای آرایش بیشتر و خودنمایی افزون تر از او دارد و هنگامی که زن را از طریق جاذبه جنسیتی وسیله تبلیغ کالاها و دکور اطاقهای انتظار و عاملی برای جلب جهانگردان و سیاحان و مانند اینها قرار بدهد، در چنین جامعه ای شخصیت زن تا سر حد یک عروسک یا یک کالای بی ارزش سقوط می کند و ارزشهای والای انسانی او به کلی به دست فراموشی سپرده می شود و تنها افتخار او جوانی و زیبایی و خود نمایی اش می شود و به این ترتیب مبدل به وسیله ای خواهد شد برای اشباع هوسهای سرکش یک مشت آلوده فریبکار و انسان نماهای دیو صفت، در چنین جامعه ای چگونه یک زن می تواند با ویژگیهای اخلاقی اش، علم و آگاهی و دانایی اش جلوه کند و حایز مقام والایی گردد^۱.

بخش دوم: بررسی و شناخت عفاف در اصطلاح

"زندگی انسان در دو بُعد قابلیت رشد و تکامل دارد. یکی بعد مادی و دیگری بعد معنوی است. از دایره اول: برخورداری از رفاه، آسایش و سلامت جسم و پرورش آن می توان اشاره کرد. و از دایره کمالات معنوی، پرورش خصوصیات اخلاقی و انسانی بدست آوردن دانش و معرفت است. عفت و حیا نیز یکی از این خصلت هاست. پروا پیشگی همیشه برانسان ها حاکم بوده، هم غار نشینان نخستین که با برگ درختان و پوست حیوانات خود را می پوشاندند هم در عصر کنونی. بنابراین، این خصلت همیشه در انسان ها بروز داشته است. حیا و عفت تاریخ بردار نیست گرچه برای پوشش می توان تاریخ تعیین کرد. عفاف روح پوشش است و

^۱. برگرفته از تفسیر نمونه.



پوشش کالبد آن، عفاف فلسفه پوشش است و پوشش تضمین کننده آن^۱ در مورد پوشش و عفت زن اینگونه سخن آمده است: "وقتی که زن مقام و موقع خود را در برابر مرد یافت و نقطه ضعف مرد را در برابر خود دانست، همان طور که متوسل به زیور خود آرایی و تجمل شد که از آن راه قلب مرد را تصاحب کند، متوسل به دور نگهداشتن خود از دسترس مرد نیز شد. عفاف تنها پاکدامنی جنسی نیست. در جای دیگر اشاره به این مطلب را نیز دارد: عفاف یعنی آن حالت نفسانی، یعنی رام بودن قوه شهوانی تحت حکومت عقل و ایمان، عفاف و پاکدامنی یعنی تحت تأثیر قوه شهوانی نبودن، ماندن آن افرادی که تا در مقابل یک شهوتی قرار می گیرند بی اختیار می شوند و محکوم این غریزه خود هستند، نبودن، این معنای عفاف است^۲ "عفت در اصطلاح علم اخلاق چنین تعریف شده است: این ماده در اصل به معنای حفظ نفس از تمایلات و شهوات نفسانی است. همان گونه که تقوی به معنی حفظ نفس از انجام گناهان می باشد. به هر حال از قرآن مجید و روایات اسلامی استفاده می شود که عفت از فضایل انسانی است و هیچ کس در مسیر الی الله بدون داشتن عفت به جایی نمی رسد. در زندگی دنیا نیز آبرو و حیثیت و شخصیت انسان در گرو عفت است. همچنین علمای فن اخلاق مجموع فضایل نفس را در تحت چهار جنس داخل کرده اند که آن چهار عبارت است از:

الف- حکمت

ب- عفت

ج- شجاعت

د- عدالت

و حکمت را فضیلت نفس ناطقه ممیزه دانسته اند و شجاعت را از فضایل نفس غضبیه و عفت را از فضایل نفس شهویه و عدالت را تعدیل فضایل ثلاث شمرده اند^۳. در قرآن کریم عقیف به شخصی اطلاق می شود که خود نگهدار و با مناعت باشد که براساس کاربرد قرآنی

^۱ مهریزی، مهدی، از اسلام چه می دانیم؟ زن، ص ۱۳۴

^۲ مطهری، مرتضی، تعلیم و تربیت در اسلام، ص ۱۵۲

^۳ خمینی، روح الله، چهل حدیث، ص ۵۱۱



مفهومی گسترده داشته و به موارد ذیل قابل تقسیم است:

* **عفت در فقر:** عبارتست از قناعت ورزی و حفظ نفس از رذالت و پستی تا گناهی از وی صادر نشود. خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید:

لِلْفُقَرَاءِ الَّذِينَ أَحْصَرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَطِيعُونَ ضَرْبًا فِي الْأَرْضِ يَحْسَبُهُمُ الْجَاهِلُ أَغْنِيَاءَ مِنَ التَّعَفُّفِ تَعْرِفُهُمْ بِسِيمَاهُمْ لَا يَسْأَلُونَ النَّاسَ إِلْحَافًا وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ.^۱ [این صدقات از آن بینوایانی است که خود را در طاعت حق محصور کرده‌اند و در طلب قوت ناتوانند و آن چنان در پرده عفاف اند که هر که حال ایشان نداند پندارد که از توانگرانند. آنان را از سیمایشان می‌شناسی که به اصرار از کسی چیزی نخواهند. و هر مالی که انفاق می‌کنید خدا به آن آگاه است.]

* **عفت در غنی:** عبارت است از نگهداری و حفظ نفس از شهواتی که بواسطه وسعت حال و امکانات مالی برای توانگر حاصل می‌شود. قرآن کریم می‌فرماید: "وَابْتَلُوا الْيَتَامَى حَتَّى إِذَا بَلَغُوا النِّكَاحَ فَإِنْ آنَسْتُمْ مِنْهُمْ رُشْدًا فَادْفَعُوا إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ وَلَا تَأْكُلُوهَا إِسْرَافًا وَبِدَارًا أَنْ يَكْبَرُوا وَمَنْ كَانَ غَنِيًّا فَلْيَسْتَعْفِفْ وَمَنْ كَانَ فَقِيرًا فَلْيَأْكُلْ بِالْمَعْرُوفِ فَإِذَا دَفَعْتُمْ إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ فَأَشْهَدُوا عَلَيْهِمْ وَكَفَى بِاللَّهِ حَسِيبًا"^۲ و یتیمان را [نسبت به امور زندگی] بیازمایید تا زمانی که به حدّ ازدواج برسند، پس اگر در آنان رشد لازم را یافتید اموالشان را به خودشان بدهید و آن را از [ترس] آنکه مبدا به سن رشد رسند [و از شما بگیرند] به اسراف و شتاب مخورید. و [از سرپرستان ایتام] آنکه توانگر است باید [از تصرف در مال یتیم به عنوان حق الزحمه] خودداری کند و هر که تهیدست است به اندازه متعارف مصرف نماید و هنگامی که خواستید اموالشان را به خودشان بدهید [برای آنکه در آینده اختلاف و نزاعی پیش نیاید] بر آنان گواه بگیرید و خدا برای محاسبه کافی است.)

^۱ البقره، آیه ۲۷۳

^۲ النساء، ۶



*** عفت در شهوت:** "عفت در افرادی که توانایی برانجام نکاح ندارند، خودداری نفس از شهوات و حفظ پاکدامنی از آلودگی به گناه، و از طریق: روزه گرفتن، انجام عبادات، همواره به یاد خدا بودن، ذکر او را در دل داشتن و فکر را در جلب رضایت پروردگار صرف کردن می‌باشد."^۱ قرآن کریم می‌فرماید: "وَلَيْسَتَعَفُّ الذِّينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّىٰ يَغْنِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ نَفْسِهِ... وَمَنْ يُكْرِهْ هُنَّ فَإِنَّ اللَّهَ مِنْ بَعْدِ إِكْرَاهِ هُنَّ غَفُورٌ رَحِيمٌ"^۲ [و کسانی که امکانات زناشویی، نمی‌یابند باید خویشتن داری کنند تا خدا آنها را از کرم خویش بی نیاز گرداند... هر کس آنها را به زور وادار کند، بی تردید خدا پس از اجبارشان، نسبت به آنها آمرزنده مهربان است].

*** عفت در پوشش:** عفت در پوشش از منظر قرآن کریم آن چنان اهمیت دارد که خداوند تعالی در قرآن کریم می‌فرماید: "وَالْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ اللَّاتِي لَا يَرْجُونَ نِكَاحًا فَلَيْسَ عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ أَنْ يَضَعْنَ ثِيَابَهُنَّ غَيْرَ مُتَبَرِّجَاتٍ بِزِينَةٍ وَأَنْ يَسْتَعْفِفْنَ خَيْرٌ لَهُنَّ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ"^۳ [و بر زنان از کار افتاده‌ای که امید ازدواجی ندارند، گناهی نیست که حجاب و روپوش خود را کنار بگذارند، در صورتی که با زیور و آرایش خویش قصد خودآرایی نداشته باشند. و پاکدامنی برای آنان بهتر است و خدا شنوا و داناست.]. [مهمترین مسأله‌ای که در آیات سوره نور تعقیب شده، مسأله عفت عمومی و مبارزه با هر گونه آلودگی جنسی است که از جمله اذن گرفتن کودکان، هنگام ورود به خوابگاه پدر و مادر است و همچنین مسأله حجاب برای زنان سالخورده را بیان می‌فرماید، که زنان از کار افتاده‌ای که امیدی به ازدواج ندارند و در این استثناء نیز دو شرط را بیان کرده است: **اول:** اینکه به سن و سالی برسند که معمولاً امیدی به ازدواج ندارند و به تعبیر دیگر جاذبه جنسی را کاملاً از دست داده باشند **دوم:** خود را زینت نکنند. روشن است که با این دو قید مفسد کشف حجاب در مورد آنان وجود نخواهد داشت و به همین

^۱ سویی، مهری، چرایی عفاف و حجاب، ص ۹۵

^۲ النور، ۳۳

^۳ النور، ۶۰

دلیل اسلام این حکم را از آنان برداشته است. این نکته نیز روشن است که منظور از برهنه شدن و بیرون آوردن همه لباس‌ها نیست بلکه کنار گذاشتن لباس‌های رویی است که بعضی روایات از آن تعبیر به چادر و روسری کرده‌اند. در پایان آیه اضافه می‌کند که با همه احوال اگر آنها تعفف کنند و خویشان را بپوشانند برای آنها بهتر است. چرا که از نظر اسلام هرچند که زن جانب عفاف و حجاب را رعایت کند پسندیده‌تر و به تقوا نزدیک‌تر است^۱

بخش سوم: چرا اسلام حجاب را بر زنان واجب کرده است؟

یکی از اشکالاتی که در مورد حجاب مطرح می‌شود این است که این حکم، تحمیل نوعی تکلیف سخت به زنان و از همین روی، نوعی ظلم و بی‌عدالتی به آنان است. حجاب داشتن تکلیف بسیار مشکلی است چون زنان - مخصوصاً در گرمای طاقت فرسای تابستان - باید مدام روسری و مانتو داشته باشند تا آقایان با دیدن اندام و موی سر آنان منحرف و گمراه نشوند و مرتکب عمل حرامی نگردند. این در حالی است که خود مردان می‌توانند به صورت آزادانه یا یک بلوز نازک راحت باشند. تحمیل این اندازه از سختی و رنج به زنان برای گمراه نشدن مردان بی‌عدالتی است. اگر فلسفه حجاب، حفظ مردان از انحراف‌های اخلاقی است، چرا باید مسئولیت این کار و سختی‌های آن به زنان تحمیل شود و از مردان خواسته نمی‌شود که با مسئولیت‌پذیری خودشان به زنان نگاه نکنند. چرا تاوان دل‌های مریض مردان را زنان باید پس بدهند؟!

در جواب این اعتراض باید گفت که این گونه استدلال‌ها هرگز توجیه مناسبی برای کشف حجاب و آزادی بی‌قید و شرط در نوع پوشش نبوده، دارای اشکالات فراوانی است. زیرا اولاً اسلام برای مردان نیز رعایت نکاتی را لازم شمرده است و ثانیاً تحریک نشدن مردان تنها حکمت حجاب نیست و حکمت‌های مهم دیگری نیز برای آن وجود دارد.

بند اول: امر به حیا و عفت، دستوری عام برای زنان و مردان

در آموزه‌های دین مبین اسلام، تأکید فراوانی بر حفظ حیا و عفت وجود دارد

^۱ مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۵۴۸



زیرا به فرموده امام علی (علیه السلام): (نیکوترین پوشش دین حیا است)؛ «أَحْسَنُ مَلَأْسِ الدِّينِ الْحَيَاءُ». «و به فرموده پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله) (خداوند انسان با حیای بردبار پاک دامنی را که پاکدامنی می ورزد، دوست دارد)؛ «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْحَيَّ الْخَلِيمَ الْعَفِيفَ الْمُتَعَفِّفَ» شاید این از آن جهت باشد که به گفته حضرت علی (ع)، (عفت، سرآمد هر خوبی است)؛ «الْعِفَّةُ رَأْسُ كُلِّ خَيْرٍ». «و به همین دلیل نیز امام حسن (ع) در تأکید بر حفظ حیا، بی حیایی را برابر با بی دینی دانسته و فرموده باشد که: (آن که حیا ندارد؛ دین هم ندارد)؛ «لَا حَيَاءَ لِمَنْ لَا دِينَ لَهُ». اهمیت پابندی به عفاف از آنجا بیشتر روشن می گردد که می بینیم حضرت علی (ع) در کلامی نورانی، آن را باعث مصونیت نفس و دوری از پستی ها معرفی می کند: «الْعِفَّافُ يَصُونُ النَّفْسَ وَيُزَكِّي هَا عَنِ الدَّنْيَا وَ فِي إِشَارَةِ بَسْمِ الْمَهْمِ أَنْ رَا بَرْتَرِينَ عِبَادَاتِ مِي دَانِد»: «أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ الْعِفَّافُ» «و علاوه بر آن در کلامی دیگر تأکید نیز می کنند که (عفت، برترین جوانمردی است)؛ «الْعِفَّةُ أَفْضَلُ الْفُتُوَّةِ». همچنین در حدیثی دیگر از امام محمد باقر (ع) می خوانیم که: «مَا عَبْدَ اللَّهَ بِشَيْءٍ أَفْضَلَ مِنْ عِفَّةٍ بَطْنٍ وَ فَرْجٍ» (هیچ عبادتی در پیشگاه خداوند برتر از عفت در برابر شکم و مسائل جنسی نیست). ایشان در جای دیگری می فرمایند: «إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِعَبْدٍ خَيْرًا عَفَّ بَطْنُهُ وَ فَرْجُهُ». (هنگامی که خداوند خیر و خوبی برای بنده اش بخواهد به او توفیق می دهد که در برابر شکم و شهوت پرستی عفت پیدا کند). در عبارت دیگری عفاف را این گونه توصیف می کنند: «أَيُّ جِهَادٍ أَفْضَلُ مِنْ عِفَّةٍ بَطْنٍ وَ فَرْجٍ؟» (کدام جهاد بهتر از عفت در شکم و در امور جنسی است؟ بدیهی است که مخاطب این تأکیدات نه فقط زنان - بلکه شاید بیشتر از آنان - مردان نیز هستند.

بند دوم: مردان نیز لازم است نگاه خود را حفظ کنند

اسلام همان طور که دستور مؤکد به حجاب داده تا یکی از مهم ترین عوامل تحریک جوانان که خودنمایی زنان است از میان برود، در آیات ۳۰ سوره نور به مردان نیز دستور داده که از چشم چرانی به شدت بپرهیزند: «قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ»؛ (به مؤمنان بگو چشم های خود را از نگاه به نامحرمان فرو گیرند و عفاف خود را حفظ کنند. این برای آنان پاکیزه تر است. خداوند از آنچه انجام می دهید آگاه است). از پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) نیز روایت



شده است که فرمود: نگاه مردان به زنان نامحرم، همچون تیری زهرآلود از تیرهای شیطانی است. مردان نیز نمی توانند با لباس نامناسب در جامعه حاضر شوند و لازم است عفاف خود را حفظ کنند زیرا همان طور که مردان با برهنگی زنان تحریک می شوند و زنان لازم است حجاب داشته باشند، زنان نیز با برهنگی مردان تحریک می شوند و مردان لازم است عفاف داشته باشند. لذا آموزه های اسلامی هیچ گاه درباره لباس مردان غفلت نکرده اند. حضرت علی (علیه السلام) می فرماید: «لَيْسَ لِلرَّجُلِ أَنْ يَكْشِفَ ثِيَابَهُ عَنْ فَخْذِهِ وَ يَجْلِسَ بَيْنَ قَوْمٍ (بر مرد شایسته نیست که لباس او کنار رود تا ران هایش معلوم گردد و در این حال در میان قوم خود بنشیند). هم چنین آن حضرت فرمودند: «عَلَيْكُمْ بِالصَّفِيقِ مِنَ الثِّيَابِ فَإِنَّهُ مَنْ رَقَّ ثَوْبُهُ رَقَّ دِينُهُ لَا يَقُومَنَّ أَحَدُكُمْ بَيْنَ يَدَيِ رَبِّهِ جَلًّا وَ عَزًّا وَ عَلَيْهِ ثَوْبٌ يَصِفُهُ. (لباس ریزبافت و ضخیم بپوشید، هر که لباسش نازک است دینش نازک است هنگام نماز لباس بدن نما نپوشید. به خاطر همین حساسیت ها در لباس مردان و امکان دیده شدن توسط زنان است که در همین سوره نور و در ادامه آیه قبلی، یعنی در آیه ۳۱ به بانوان نیز سفارش شده است که مراقب نگاه خود باشند»: «وَقُلْ لِّلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ.» (و به زنان با ایمان بگو چشم های خود را از نگاه هوس آلود فروگیرند...

بخش چهارم: آثار بی حجابی در جامعه با مذاقه در ریشه های بی حجابی

بند اول: آثار بی حجابی زنان در اجتماع

- ۱- عقده مند کردن مردان
- ۲- سقوط شخصیت
- ۳- تزلزل خانواده ها
- ۴- بلوغ زودرس جنسی جوانان
- ۵- تکذیب آیات الهی
- ۶- احساس پوچی
- ۷- ایجاد غفلت
- ۸- عقاب آخرت
- ۹- بد آموزی



بند دوم: ریشه های بی حجابی

- ۱- هوسرانی: امیر مومنان علی (ع) می فرمایند: «کسی که بر شهوات پیش گیرد آفت ها بر او سرعت می گیرند» و در جای دیگر فرمودند: «اگر از هوای نفس خود اطاعت کنی کر و کورت می کند و آخرت تو را تباه می گرداند و هلاکت می سازد»^۱
- ۲- کسب موقعیت
- ۳- ضعف ایمان
- ۴- دیگر آزاری ریشه خود نمایی و بد حجابی بسیاری از زنان عقده، دیگر آزاری است.
- ۵- ارضای تمایلات
- ۶- صید دل های مردان
- ۷- غرب زدگی
- ۸- زیبایی
- ۹- ازدواج
- ۱۰- ضعف حیا: این صفت از سستی اعتقاد به مبدأ و معاد سرچشمه می گیرد. امام صادق (ع) فرموده است: «ایمان ندارد کسی که حیا ندارد»^۲
بی حجابی از مصادیق بارز بی حیایی است که از ضعف ایمان ناشی می شود. امام صادق (ع) فرمود: «بی شرمی مرکز نفاق و سنگدلی و کفر است»^۳. پیامبر اکرم (ص) فرموده است: «خدا حیا و پوشیدگی بندگان را دوست دارد»^۴.
- ۱۱- اظهار غنای مالی
- ۱۲- سر سپردگان دشمنان اسلام
- ۱۳- تبلیغات استعماری
- ۱۴- وسوسه های شیطانی

^۱. غرر الحکم.

^۲. اصول کافی، باب حیا.

^۳. مصباح الشریعه، باب حیا.

^۴. اصول کافی باب حیا.



۱۵- مد گرایی

۱۶- ضعف غیرت

۱۷- خانواده

۱۸- تقلید

بند سوم: راه های مبارزه با بی حجابی و بد حجابی زنان در جامعه

- ۱- مبارزه بی امان با استعمار غرب و غرب زدگی
- ۲- آگاهی بخشی در مورد تقسیم آزادی به آزادی صحیح و غلط و سوق دادن انسانها به خصوص نسل جوان به گزینش آزادی صحیح و مفید نه آزادی غلط و زیان بخش.
- ۳- تقویت باور فکری و عملی زنان بر این اساس که حجاب اسلامی هرگز در مورد کار و تلاش در عرصه های مختلف زندگی.
- ۴- نشان دادن ارزش های والا و راستین انسانی و اسلامی.
- ۵- تربیت و تزکیه نفوس با برنامه های اخلاقی اسلامی و ارضاء و اشباع هوس ها و غرایز از راه های صحیح و معقول اسلامی.
- ۶- احیای فرهنگ اصیل اسلامی.
- ۷- نشان دادن الگوهای کامل و سالم و جایگزینی آنها به جای الگوهای دروغین.
- ۸- تقویت اعتماد به نفس و استقلال فکری و دوری از خود باختگی.
- ۹- تقویت نیروی تفکر و فراخوانی زنان به تفکر و تعقل و تجزیه و تحلیل های منطقی که موجب استقلال فکری و زیست محتوایی گردد.
- ۱۰- تقویت اراده در پرتو ایمان و عبادات و اعتقاد به خدا و دوری از هر گونه عوامل سستی و بی ارادگی نیز تا حد زیادی می تواند موجب نجات انسان از پرتگاه ها گردد.

بخش پنجم: تحلیل حقوقی چرایی و عدم جرم انگاری رعایت حجاب برای مردان

در بسیاری از کشورها، حکومت برای پوشش شهروندان، مقرراتی وضع می کند که حدود آن به تناسب ارزش های حاکم بر آن جامعه متفاوت است. در ایران نیز مقررات جامعه بر اساس ارزش های اسلامی پذیرفته شده، وضع گردیده است. در اصل الزامی بودن پوشش مناسب برای شهروندان و حق دخالت دولت تردیدی نیست؛ بلکه سخن در چگونگی وضع این مقررات و روش برخورد با متخلفین است.



ماده ۸۶۴ ق.م.ا. بویژه تبصره آن در خصوص بدحجابی اقدام به جرم انگاری نموده است، که متأسفانه این جرم برای مردان که امروز دیده می شود با ظاهرهای شیطان پرستان در خیابان ها تردد می کنند جرم انگاری نشده است.

بند اول: مبنای فقهی ماده ۸۶۴ ق.م.ا. و نقد آن

در ماده ۸۶۴ ق.م.ا. آمده است: «هرکس علناً در انظار و اماکن عمومی و معابر تظاهر به عمل حرامی نماید علاوه بر کیفر عمل، به حبس از ده روز تا دو ماه یا تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم می گردد و در صورتی که مرتکب عملی شود که نفس آن عمل دارای کیفر نمی باشد، ولی عفت عمومی را جریحه دار نماید، فقط به حبس از ده روز تا دو ماه یا تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم خواهد شد.

تبصره: زنانی که بدون حجاب شرعی در معابر و انظار عمومی ظاهر شوند، به حبس از ده روز تا دو ماه یا از پنجاه هزار تا پانصد هزار ریال جزای نقدی محکوم خواهند شد». با توجه به این که تبصره ماده ۸۶۴ ق.م.ا. بر اساس مبنای فقهی این ماده تنظیم شده، بررسی مبانی فقهی این ماده می تواند مستقیماً در مشروعیت و اعتبار تبصره آن تأثیر داشته باشد.

۱- نقد ماده ۸۶۴ ق.م.ا.

به ماده ۸۶۴ ق.م.ا. نقدهایی به شرح ذیل وارد است:

۲- قید «کیفر عمل»

قاعده جمع مجازات ها بر این ماده حاکم بوده، زیرا در صدر ماده آمده است: «علاوه بر کیفر عمل، به حبس از ده روز تا دو ماه یا تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم می گردد».

در این ماده، قید «کیفر عمل» شامل کیفر حدی و تعزیری است که هر دو فرض، از نظر فقهی و حقوقی اشکال دارد؛ زیرا از دیدگاه فقهی، جمع مجازات ها پذیرفته نیست. همچنین از نظر حقوقی نیز با اصول حقوق جزا منافات دارد.

۳- قید «انظار عمومی»

اشکال مهم تر این که لازمه صدر ماده ۸۶۴ ق.م.ا. این است که مجازات های تعیین شده در شرع به عنوان حد و مجازات های تعیین شده در قانون مجازات، به



مواردی اختصاص داشته باشد، که جرم به صورت غیرعلنی انجام شود؛ چون اگر علنی و در انتظار عمومی باشد، طبق ماده ۸۶۴ ق.م.ا. علاوه بر کیفر عمل، تنها به دلیل علنی بودن، مجازات مضاعفی دارد! در حالی که هیچ فقیه یا حقوقدانی چنین ملازمه‌ای را نمی‌پذیرد؛ زیرا اصل، اقتضا می‌کند استحقاق مجازات مقرر در شرع و قانون اعم است از این که فرد جرم را به صورت علنی و در انتظار عمومی یا غیرعلنی و خصوصی مرتکب شده باشد، مگر در موارد خاص مصرح در قانون یا شرع، مانند روزه خوری در ماه رمضان در ملأ عام که نفس علنی بودن آن موضوعیت داشته و مورد حساسیت شارع است و حتی از سوی کسی که مجوز شرعی برای روزه نگرفتن دارد باید حرمت علنی آن حفظ شود؛ لذا نمی‌توان با وضع قانون کلی مانند: ۸۶۴ ق.م.ا. برای ارتکاب علنی تمامی جرایم، مجازات جداگانه مقرر نمود تا لازمه و معنای قانون‌گذاری سابق این شود که تمامی قوانین سابق ناظر به ارتکاب اختصاصی جرایم باشد. (هاشمی: ۱۳۸۸: ۱۵).

۴- قید «جریحه‌دار شدن عفت عمومی»

اشکال دیگر اینکه ماده ۸۶۴ ق.م.ا. از دو قسمت تشکیل شده: صدر ماده به عمل حرامی اشاره دارد که کیفر خاص برای آن مقرر شده است (اعم از این که کیفر عمل در شرع مشخص شده باشد یا در قانون) و ذیل آن به ارتکاب عملی اشاره نموده که مجازات خاصی برای آن مقرر نشده است ولی عفت عمومی را جریحه دار می‌کند (البته ممکن است که ذیل ماده اعم از عمل حرام و عمل مباحی باشد که عفت عمومی را جریحه‌دار می‌کند ولی بیشتر ظهور در عمل مباح دارد). قید «جریحه‌دار شدن عفت عمومی» در قسمت اول (صدر ماده) وجود ندارد! با وجود آنکه صدر ماده به اعمالی اشاره دارد که مجازات خاص خود را دارند، معلوم نیست که به چه دلیل مجازات مضاعفی دارد؟ اگر عمل یاد شده عفت عمومی را جریحه‌دار نکند به چه دلیل باید مجازات شود؟ آیا صرف این که عملی در انتظار عمومی انجام شود، لزوماً موجب جریحه‌دار شدن عفت عمومی خواهد شد؟ واضح است، هر گناهی (به ویژه گناهان صغیره) به صرف اینکه در ملأ عام انجام شود، لزوماً موجب جریحه‌دار شدن عفت عمومی نیست.

ممکن است چنین اشکال شود که بر اساس آیه شریفه: «إِنَّ الَّذِينَ يَحِبُّونَ



تشیع الفاحشه فی الذین آمنوا لهم عذاب الیم فی الدنیا و الآخرة و الله یعلم و انتم لا تعلمون» (نور، ۱۹)، اشاعه فحشا و علنی کردن آن حرام است.

در پاسخ می‌توان اظهار نمود مبنای حرمت اشاعه فحشا نیز در این مورد کاربرد ندارد زیرا به اعتقاد برخی از مفسران از جمله شیخ طوسی و شیخ طبرسی دو مفسر بزرگ شیعه، فاحشه به معنای گناه کبیره و مهم است و شامل هر گناهی نمی‌شود (طبرسی، ۱۴۱۵ ق: ج ۲، ص ۳۹۳، ج ۴، ص ۱۹۰؛ طوسی، ۱۴۰۹ ق: ج ۲، ص ۵۹۵؛ ج ۴، ص ۳۹۰-۳۸۲). این واژه در قرآن نیز در خصوص جرایم مهم مانند شرک، بت پرستی، زنا و لواط به کار رفته است بنابراین، شمول معنای فحشا نسبت به گناهان کوچک، دست کم خلاف احتیاط است.

چنانکه ابن اثیر تصریح نموده است، این واژه در احادیث نیز به همین معنا به کار رفته است بنابراین، بر اساس احادیث هم فاحشه به معنای گناهانی است که قبح شدید داشته باشد (حسینی: ۱۳۸۸: ۶۳).

نتیجه آنکه قائل شدن مجازات اضافی برای هر عمل حرامی که در انتظار عمومی ارتکاب یابد، دلیل متقن شرعی ندارد، مگر اینکه عفت عمومی را جریحه دار کند که در این صورت به دلیل قباح شدید و ویژه، قابل جرم انگاری مستقل و مجازات اضافی است و اساساً نظام‌های قانون گذاری در دنیای امروز نیز رفتارهای منافی عفت عمومی را برنمی‌تابند و برای جرم انگاری این دسته از رفتارها تردیدی ندارند، اگرچه ممکن است در مصداق و دامنه رفتارهای خلاف عفت عمومی اختلاف نظر وجود داشته باشد.

۵- قید «گناهان کبیره»

اشکال دیگر این که برخی از فقها حکم ماده ۸۶۴ ق.م.ا. را تنها در گناهان کبیره پذیرفته‌اند (خمینی: ج ۲: ۴۷۷). ولی این ماده تمام گناهان و هر عمل حرامی را با این شرط که در انتظار عمومی مرتکب شود، قابل مجازات می‌داند. البته بهتر بود با توجه به سیاست جنایی ایران در سال‌های اخیر مبنی بر جرم زدایی و زندان زدایی، جانب احتیاط را در جرم انگاری مراعات می‌کرد؛ اگرچه از دیدگاه شرعی احتیاط در امور کیفری مطلوب است.

۶- قید «عمل حرام»

تعریف دقیقی در قانون، از «عمل حرام» نشده، لذا معلوم نیست که مقصود عملی است که از نظر مرجع تقلید مرتکب، حرام باشد یا از نظر مشهور فقها یا عملی که در مورد حرمت آن اتفاق نظر وجود دارد؟ قدر متیقن مورد اخیر است (که قانون مجازات اسلامی در مورد این دسته از جرایم حساسیت لازم را اعمال نموده است) و سایر موارد اجمال دارد.

بر فرض شمول این موارد، هر یک از فروع اول و دوم، محل بحث و اشکال جدی است. چون فرض اول راه را برای فرار متهم باز می‌گذارد و عملاً امکان‌پذیر نیست، زیرا ممکن است فرد بعد از ارتکاب عمل حرام، مرجع تقلید خود را شخص دیگری اعلام کند که از دیدگاه وی، عمل ارتكابی حرام نباشد. همچنین در مواردی که شخص مرجع تقلیدی را انتخاب نکرده باشد، تکلیف چیست؟ از این رو، با توجه به اختلاف نظر فقها در بسیاری از مسائل، در عمل تعقیب این دسته ممکن نیست.

فرض دوم نیز از نظر فقهی قابل توجیه نیست. زیرا به چه دلیل باید کسی را که مثلاً مقلد مرجع تقلیدی است که با دیدگاه مشهور فقها مخالف است و عملی را مباح می‌داند، ملزم نمود که از دیدگاه مشهور تبعیت کند و در غیراین صورت مجازات شود؟! هیچ فقیهی چنین الزامی را نمی‌پذیرد. همچنین برای برخی از اعمال حرام، قانونی وضع نشده، تا از باب قانون، مراعات آن‌ها لازم باشد. ارجاع کلی قانون به شرع هم مشکل فوق را ایجاد می‌کند، در حالی که قانون یا باید با مصداق، عمل حرام را مشخص می‌کرد یا تعریفی از عمل حرام ارائه می‌داد.

۷- فرق گناه و جرم

لازمه ماده ۸۶۴ ق.م.ا. این است که میان گناه و جرم تفاوتی نباشد، چون در خصوص مطلق فعل حرام این حکم صادر شده است؛ در حالی که به دلایل متعددی، میان این دو، تفاوت اساسی وجود دارد، به اصطلاح، رابطه این دو «عموم و خصوص من وجه» است؛ زیرا هر گناهی لزوماً جرم نیست؛ مانند فعل حرامی که مربوط به قلب باشد و نیاز به عنصر مادی و ابراز بیرونی نداشته باشد، مثل «ریا»



که قطعاً حرام است، ولی جرم نیست یا تجری^۱ که بنا بر قولی حرام بوده، ولی جرم نیست. همچنین هر جرمی از دیدگاه اسلامی لزوماً گناه نیست، مثلاً هرگاه مردی همسر خود را در حال زنا با مرد دیگر ببیند در صورتی که یقین داشته باشد هر دو با رضایت دست به این عمل زده‌اند، می‌تواند هر دو را بکشد و از این جهت هیچ گناهی مرتکب نشده است، ولی اگر دستگیر شود و نتواند ادعای خود را ثابت کند، به جرم قتل، قصاص می‌شود (حسینی، ۱۳۸۳: ۱۳۸-۱۲۹).

بند دوم: نقد تبصره ماده ۸۶۴ ق.م.ا.

این تبصره برای مقابله با معضل بدحجابی تنظیم شده، ایرادهای جدی دارد که برخی از آن‌ها ذیلاً بیان می‌شود:

۱- عدم انطباق تبصره ماده ۸۶۴ ق.م.ا. با شرع

تبصره ماده ۸۶۴ ق.م.ا. از جهاتی با شرع، انطباق کامل ندارد: اولاً: بسیاری از فقها تعزیر را اعم از وعظ، توبیخ، تهدید، شلاق و حبس دانسته‌اند، لذا شایسته بود، قانون‌گذار در این ماده (در متن تبصره) دست قاضی را برای اعمال حداقل مراتب تعزیر که تذکر و ارشاد است، باز می‌گذاشت و فقط حبس و جزای نقدی را مطرح نمی‌کرد. چنان که در خصوص ماده ۲ قانون نحوه رسیدگی به تخلفات و مجازات فروشندگان لباس‌هایی که استفاده از آن‌ها در ملأعام خلاف شرع است و یا عفت عمومی را جریحه‌دار می‌کند، مصوب ۱۳۶۵/۱۲/۲۸ این گونه عمل کرده است.

ثانیاً: ظاهر تبصره این ماده به دلیل اطلاق، شامل همه زنان از جمله زنان غیر مسلمان که در ایران حد حجاب شرعی را رعایت نکنند نیز می‌شود، در حالی که بسیار بعید است فقیهی چنین حکمی را پذیرفته باشد که زنان اهل ذمه هم مانند زنان مسلمان ملزم به رعایت حجاب شرعی باشند.

شایان ذکر است بر اساس دیدگاه مشهور فقهای شیعه، نگاه به زنان غیر مسلمان حتی بدون حجاب تعریف شده و در شرع اسلام، اشکالی ندارد (حکیم، بی

^۱ تجری به این معناست که به قصد ارتکاب گناه، عملی را انجام دهد ولی در واقع آن مقصود حاصل نشود مثلاً آب را با این قصد که شراب است بنوشد ولی در واقع معلوم شود که شراب نبوده است.



تا، ج ۱۴، ص ۲۰)، البته در صورتی که با قصد ربه نباشد «قوله: "و يجوز النظر إلى أهل الذمه و شعورهن،... وقد روى الجواز بطريق السكوني عن أبي عبدالله (ع) قال: "قال رسول الله (ص) لا حرمه لنساء أهل الذمه أن ينظر إلى شعورهن و أیدیهن". و فی حدیث آخر عنه (ع) قال: "لا بأس بالنظر إلى نساء أهل تهمامه والأعراب، و أهل البوادی من أهل الذمه والعلوج، لأنهن إذا نهين لا ينتهين"» (شهید ثانی، ۱۴۱۳ ق: ج ۷، صص ۴۵-۴۳) همچنین بر اساس نص صریح آیه شریفه قرآن، وجوب حجاب نسبت به زنان سالخورده به گونه‌ای که جلب توجه نکنند، استثنا شده است^۱؛ در حالی که تبصره ماده ۸۶۴ ق.م.ا. شامل این دسته هم می‌شود. بنابراین لازم است اطلاق این ماده اصلاح شود.

۲- عدم تناسب مجازات مقرر در تبصره، با سایر قوانین مشابه

مجرمین ماده ۸۶۴ ق.م.ا. غالباً معلول و قربانی جرم هستند و قبح عمل آنان نسبت به مجرمین موضوع قانون نحوه رسیدگی به تخلفات و مجازات فروشندگان لباس‌هایی که استفاده از آن‌ها در ملأعام خلاف شرع است یا عفت عمومی را جریحه دار می‌کند (مصوب ۱۳۶۵/۱۲/۲۸) و فروشنده و تولید کننده کالاهای خلاف عفت عمومی هستند، از اهمیت کمتری برخوردار است، با وجود این که مجازات افراد بدحجاب از مجازات تولید کنندگان بیشتر بوده و قابلیت انعطاف کمتری دارد!

۳- عدم قید جریحه‌دار شدن عفت عمومی

برخلاف ذیل ماده ۸۶۴ ق.م.ا. در تبصره این ماده، اشاره‌ای به قید «جریحه‌دار شدن عفت عمومی» نشده است، لذا اگر زنی حد شرعی حجاب را رعایت نکند، مشمول مجازات این ماده می‌شود، خواه با عمل وی عفت عمومی جریحه‌دار شود یا نشود. در حالی که در ماده به این قید تصریح شده است. علت این تفکیک و در نتیجه سخت گیری نسبت به موضوع بدحجابی نسبت به سایر گناهان مشخص نیست! به عبارت دیگر، با وجود آنکه قانونگذار مجازات بدحجابی را سبک تر از

^۱ واقواعد من النساء اللاتی لا یرجون نکاحا فلیس. علیهن جناح ان یضعن ثیابهن غیر متبرجات بزینة و ان یتعففن خیر لهن و الله سمیع علیم (النور، ۶۰).



سایر گناهان در نظر گرفته است، ولی با عدم ذکر جریحه‌دار کردن عفت عمومی نوعی سخت‌گیری را نسبت به زنانی که علیرغم بدحجابی، به هر دلیلی عفت عمومی را جریحه‌دار نمی‌کنند، اعمال نموده است! زیرا ممکن است در مواردی، حد حجاب شرعی توسط بانوان مراعات نشود که از نظر اخروی مستوجب کیفر باشد، ولی لزوماً موجب جریحه‌دار نمودن عفت عمومی نباشد.

۴- پیشنهاد اصلاح قانون

با توجه به ایرادهای مطرح شده در خصوص ماده ۸۶۴ ق.م.ا. مهمترین پیشنهادها برای اصلاح ماده، به شرح ذیل بیان می‌شود:

صدر ماده به «جریحه‌دار شدن عفت عمومی» مقید شود؛ چون ارتکاب هر عمل حرامی در انظار عمومی لزوماً موجب جریحه‌دار شدن عفت عمومی نیست.

تبصره این ماده هم که مربوط به جرم انگاری بدحجابی است، مقید به «جریحه‌دار شدن عفت عمومی» شود، زیرا مواردی از عدم رعایت حجاب شرعی جرم می‌شود که عفت عمومی را جریحه‌دار نماید. چرا که در غیر این صورت با وضع قانون فعلی، دست کم از نظر تئوری قشر وسیعی از بانوان که وجه و کفین را کاملاً نمی‌پوشانند باید مشمول مجازات این ماده باشند! به عبارت دیگر سه نوع از عدم رعایت حجاب متصور است:

اول: عدم رعایت حجاب شرعی به گونه ای که بدحجابی بر آن صادق نباشد.

دوم: عدم رعایت حجاب به گونه‌ای که بدحجابی محسوب می‌شود، ولی به حدی زننده نیست که با عفت و اخلاق عمومی مخالف باشد.

سوم: عدم رعایت حجاب به گونه ای که با عفت و اخلاق عمومی مخالف باشد.

وجود قانون فعلی هر سه قسم جرم است، ولی پیشنهاد می‌شود تنها قسم سوم جرم انگاری شود. همچنین در مرحله اجرای این تبصره مانند برخی دیگر از قوانین، پیش از اعمال مجازات حبس و جزای نقدی، قاضی موظف باشد در دو مرحله قبل از مجازات به ترتیب برای بار اول به «پند و اندرز» متوسل شود و در مرتبه دوم به «توبیخ» بسنده کند و در مرحله سوم «مجازات» شود.

برخی از فقها حکم ماده ۸۶۴ ق.م.ا. را تنها در گناهان کبیره پذیرفته‌اند؛ ولی ماده ۸۶۴ ق.م.ا. در تمامی گناهان و هر عمل حرامی که در انظار عمومی ارتکاب



یافته را قابل مجازات دانسته است. با توجه به سیاست جنایی ایران در سال‌های اخیر مبنی بر جرم‌زدایی و زندان‌زدایی، بهتر است جانب احتیاط در جرم‌انگاری مراعات شده و قید «گناهان کبیره» در صدر این ماده اضافه شود. از دیدگاه شرعی نیز این احتیاط در امور کیفری مطلوب است.

در تبصره ماده ۸۶۴ م.ق.ا. آمده: «زنانی که...» واضح است، این کلمه شامل تمام زنان می‌شود، ولی از دیدگاه اسلام اساساً برای برخی از زنان حجاب واجب نیست، مانند زنان غیرمسلمان یا زنان سالخورده مسلمان، بنابراین لازم است در اصلاح این ماده اطلاق کلمه «زنانی که بدون حجاب شرعی...» به این صورت مقید شود: «به جز زنانی که شرعاً وجوب پوشش برای آنان استثناء شده است از جمله زنان غیرمسلمان و زنان سالخورده و...».

بخش ششم: واکاوی و تفسیر کیفری چرایی عدم جرم‌انگاری رعایت

حجاب برای مردان

بعدازظهر یک روز تابستانی، میدان ونک، ماشین ون گشت ارشاد ایستاده است و یک افسر نسبتاً جا افتاده مشغول گفتگو با پسری است؛ ظاهراً مدل مویش و لباس هایش نامناسب است و شلوارش کوتاه و لباس زیرش پیداست. ماجرا به خیر می‌گذرد و پسر عذرخواهی و قولی که اصلاح می‌کند و تمام می‌شود.

این تمام شدن اما تازه اول ماجراست؛ ماجرای در ذهن یک یک مخاطبان این حادثه، که آیا پلیس یا هر نهاد مسئولی مجاز است چنین برخوردی، هرچند محترمانه یا با هر شیوه و شکل دیگری که داشته باشد، آن هم با مردان که حجاب کمتر برای آنان تعریف شده است، داشته باشد؟ یکی از چالش‌های مهم و حیاتی نظامات سیاسی، چالش دخالت یا عدم دخالت دولت‌ها در ساختار اخلاقی جامعه است که وجه تمایز مهم بسیاری از حکومت‌ها با یکدیگر است... برخی دخالت دولت را حداقلی و در حد مدیریت آزادی مردم می‌دانند، اما در ساختار سیاسی نظام اسلامی رشد و تعالی جامعه از وظایف دولت به شمار می‌آید. از این رو است که رسیدگی و مدیریت نوع پوشش افراد فعال در اجتماع وظیفه حکومت است.

اما عفت در جامعه دو رو دارد: یکی رعایت حجب از سوی هر فرد است و یکی حفظ نگاه از سوی بقیه جامعه. این حجب نیز تنها مخصوص بانوان نیست، بلکه تا



حد معینی به مردان نیز مربوط می‌شود.

در سال ۱۳۸۴ شورای عالی انقلاب فرهنگی با تصویب مصوبه‌ای اقدام به جعل سیاست‌هایی جهت گسترش عفاف و حجاب نمود تا با این سیاست‌ها علاوه بر کارهای سلبی در جامعه، برای جلوگیری از بی‌عفتی، در راستای بسط فرهنگ عفت عمومی نیز گام‌هایی بردارد.

شاید روح این قانون بیشتر ناظر به پدیده حجاب بانوان باشد، اما در بخشی از آن نیز به مردان اشاره شده است:

در بخش سیاست‌های وضع شده آمده است: «تدوین سیاست‌های روشن و مشخص در مورد سبک لباس و آرایش هنرمندان، مجریان زن و مرد و... در برنامه ها، فیلم‌های سینمایی، تئاتر و... با محوریت عفاف و حجاب».

این بند شاید تنها بندی باشد که در آن به وضعیت پوشش در مردان پرداخته شده است و حال آن که در بسیاری از بندهای دیگر به وضع پوشش زنان اشاره شده و برای آن حدود و ثغور و برنامه‌هایی تعیین شده است.

این فقدان قانون مشخص در حوزه پوشش مردان، اگر چه برآمده از عدم وجود محدودیت شرعی در حوزه پوشش مردان است، اما نیازمند بازنگری و قانون گذاری است تا بتوان با ناهنجاری‌های رفتاری در وضع پوشش برخی مردان در سطح جامعه برخورد کرد. پوشش مردان نیازمند بازنگری و قانون گذاری است تا بتوان با ناهنجاری‌های رفتاری در وضع پوشش برخی مردان در سطح جامعه به درستی برخورد کرد. (مجله اینترنتی دخت ایران، ۱۳۹۰).

نتیجه گیری

در جمع بندی و نتیجه گیری پایانی مقاله حاضر باید گفت حجاب، سختی و تحمل مشقت، جزئی از جریان زندگی هر انسانی است و آدمی زاد بدون تحمل رنج و مرارت به اهداف خود نخواهد رسید (نابرده رنج، گنج میسر نمی شود). از سوی دیگر هر مسلمانی تکلیفی دارد. تکلیف در لغت از ماده «کلفت» و به معنای سختی است. یعنی همچنان که رسیدن به اهداف مادی و برنامه های زندگی نیازمند زحمت، عرق جبین، خستگی و احیاناً مشقت است، نیل به کمالات معنوی نیز از چنین مسیری می گذرد و با تنبلی و تن آسایی سازگاری ندارد. تمام تکالیف



از زحمات نسبی و متعارفی برخوردارند. نماز، روزه، حج، جهاد و ... همه و همه نوعی سختی و زحمت را به همراه خود دارند و انجام دهنده آن باید آن را به جان بخرد تا از ثمرات و برکات دنیوی و اخروی آن بهره مند گردد. در احکام شرعی دین اسلام، تکلیف میزان مجاز برهنگی مردان و لزوم رعایت حجاب کاملاً مشخص شده است؛ بر مرد پوشاندن سر و گردن و صورت و دست‌ها تا جایی که معمولاً نمی‌پوشانند لازم نیست. پس پوشاندن بقیه نقاط بدن توسط مردان در مقابل دیگران یک تکلیف شرعی است. این موضوع، کلی و تعریفی از حجاب مردانه به حساب می‌آید؛ یعنی همانطور که برای پوشش زنان، دستورالعمل‌هایی در شرع ما مشخص شده است، برای مردان هم حد و مرزی تعیین کرده‌اند. البته رعایت حجاب توسط زنان و وظایف آن‌ها در این زمینه مهم‌تر است. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «حیا ده جزء دارد، نه جزء آن در زنان و یک جزء آن در مردان می‌باشد» در واقع زنان هستند که بار اصلی حیا و عفت را در جامعه به دوش دارند اما این دلیل نمی‌شود که موضوع حجاب مردانه و وظایف آقایان در این زمینه نادیده گرفته شود. نگاه کردن یکی از مصداق‌های مهم عفاف مردان است و قرآن کریم به مردان امر کرده، حجابی در مقابل چشمانشان قرار دهند. خداوند در آیه ۳۰ سوره نور می‌فرماید: «به مؤمنان بگو چشم‌های خود را (از نگاه به نامحرمان) فرو گیرند و عفاف خود را حفظ کنند». این آیه می‌گوید که مردان باید غضب بصر داشته باشند. میزان پوشش مردان در مقابل دیگران تکلیف سر و گردن و صورت و دست‌های مردان تا جایی که معمولاً نمی‌پوشانند مشخص است اما برای بقیه نقاط بدن در احکام شرعی آمده که مردان بنابر احتیاط مستحب باید مواضعی را که به‌طور معمول مردان می‌پوشانند از نامحرم بپوشانند. همیشه هم بحث احتیاط نیست. نهایتاً در این راستا فقها می‌گویند: «پوشاندن هر کجای بدن توسط مردان به قصد به حرام انداختن دیگران حرام است. متأسفانه بخشی از بازار پوشاک کشور در قبضه لباس‌های نامتعارف مردانه است که پوشیدن آنها می‌تواند باعث ایجاد فساد یا همان نگاه همراه با لذت در زنان محرم یا نامحرم شود. اغلب لباس‌ها و شلوارهای تنگ، شلوارهای جین پاره و چاک‌چاک، تی‌شرت‌های آستین حلقه‌ای منقش به انواع و اقسام تصاویر نامتعارف و غیراخلاقی، شلوارهایی



با فاق خیلی کوتاه یا خیلی بلند، لباس‌هایی با یقه های بسیار برهنه‌تر از حد معمول و... نمونه‌هایی از لباس‌هایی هستند که مردان باید مراقب باشند که مصداق لباس‌هایی نباشند که شرع در مورد پوشیدن آنها حکم به احتیاط داده است. در پایان در حدیثی از امام رضا(علیه السلام نقل شده است که فرمودند حُرِّمَ النَّظَرُ إِلَى شُعُورِ النِّسَاءِ الْمَحْجُوبَاتِ بِالأَزْوَاجِ وَ غَيْرِهِنَّ مِنَ النِّسَاءِ لِمَا فِيهِ مِنْ تَهْيِيجِ الرَّجَالِ وَ مَا يَدْعُو التَّهْيِيجُ إِلَى الْفَسَادِ (خداوند نگاه کردن به موهای زنان ازدواج کرده محجوبه و غیر آن‌ها را حرام کرده است؛ زیرا نگاه شهوت انگیز مردان، باعث تهییج جنسی، و تهییج جنسی موجب فساد است). در مقابل، به دلیل لطافت و حساسیت بیشتر زنان نسبت به محرک‌های لمسی، برای حفاظت آنان از مفاسد ناشی از این ویژگی، آنان را به حجاب و پوشش بیشتر در مواجهه با مردان نامحرم دستور داده است.



منابع و مأخذ

الف) کتب

- اعزازی، ش؛ ۱۳۹۶، خشونت خانگی زنان کتک خورده، انتشارات سالی، چاپ دوم تهران.
- ارتی دار، ط؛ ۱۳۸۲، قوانین و مقررات ویژه زنان در جمهوری اسلامی ایران، نشر برگ زیتون.
- جولی، م؛ ۱۳۸۲، آموزش حقوق انسانی زنان و دختران، ترجمه مجیدی، فریبرز؛ انتشارات دنیای مادر، سال.
- خوبی، م. ح، بی تا؛ مبانی تکلمه المنهاج (کتاب القصاص) جلد دوم، بی نا.
- رایجیان اصلی، م؛ ۱۳۸۱، بزه دیده در فرآیند کیفری، انتشارات خط سوم.
- سند چهارمین کنفرانس جهانی زن کار پایه عمل پکن، ترجمه آرین، علی؛ قاضی، میر سعید؛ تهران، دفتر امور زنان در نهاد ریاست جمهوری، ۱۳۷۵.
- شامبیاتی، ه؛ ۱۳۹۲، حقوق جزای اختصاصی (جرایم علیه اشخاص)، انتشارات مجد.
- صدر، ح؛ ۱۳۹۸، حقوق زن در اسلام و اروپا، تهران، چاپ دوم، انتشارات جاویدان.
- علاسوند، ف؛ بی تا، زنان حقوق برابر (کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان و تراز اندیشه دینی)، بی نا.
- علاسوند، ف؛ ۱۳۸۲، زنان و حقوق بشر، انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.
- قربان نیا، ن. و همکاران؛ ۱۳۸۴، بازپژوهی حقوق زن، جلد اول، نشر روز نو.
- گیدنز، آ؛ ۱۳۷۴، جامعه شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، نشر نی.
- گلدوزیان، ا؛ ۱۳۷۲، حقوق جزای عمومی ایران، انتشارات ماجد، جلد دوم.
- مظلومان، ر؛ ۱۳۵۲، زن کشی در لوای قانون، سازمان زنان ایران، دی ماه.
- مهریزی، م، ۱۳۸۲؛ شخصیت و حقوق زن در اسلام، انتشارات علمی فرهنگی.
- نصیری سوادکوهی، ۱۳۸۰، فتوت، زن و حقوق انسانی، انتشارات برگ زیتون.



- نظریات اداره حقوقی قوه قضاییه در زمینه مسائل کیفری، جلد یک، روزنامه رسمی، سال ۱۳۷۳ مجموعه کنوانسیون های بین المللی (قسمت امور حقوق بشر).
- نوبها، ر.، ۱۳۶۹؛ زمینه حقوق جزای عمومی نشر کانون وکلای دادگستری مرکز.

ب) مقالات

- اردبیلی، م. ع.؛ سقط جنین ناشی از زنا به عنف، مجله تحقیقات حقوقی، ش ۳۹.
- اسدی، ل. س.، ۱۳۸۳، مهار خشونت های خانگی از قانون تا اخلاق، فصلنامه کتاب زنان، سال ششم، شماره ۲۳، بهار.
- حسنی، م.، ۱۳۷۸، کنکاشی پیرامون فساد از منظر فقه، فصلنامه کتاب زنان، شماره ۱۸، زمستان.
- حسینی، س. ر.، ۱۳۹۲، جایگاه پرونده شخصیت در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و لایحه ی آیین دادرسی کیفری، ماهنامه دادرسی، شماره ۱۰۱.
- حسینی، س. م.، ۱۳۸۳، «سیاست جنایی در اسلام و در جمهوری اسلامی ایران»، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، سمت، چ اول.
- رهامی، م.، تقریرات حقوق جزای اختصاصی (جرایم علیه تمامیت معنوی) دانشکده حقوق دانشگاه تهران، سال ۸۰-۱۳۷۹.
- زینالی، ا. ح.؛ ۱۳۸۲، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی (اثرات فقدان حمایت کیفری مناسب از زنان بر بزه دیدگی آنها) شماره ۱۳، تابستان.
- سازمان ملل متحد و ۲۵ سال تلاش برای بهبود وضعیت زنان، فصلنامه ریحانه، شماره ۵، بی تا.
- شجاعی، ز.؛ زن در قانون اساسی، فصلنامه فرهنگی پژوهشی ریحانه، شماره ۱، بی تا.
- شفیعی سروستانی، ا.، ۱۳۸۰، تفاوت زن و مرد در دیه و قصاص، تهران، سفیر صبح.



- طالع زاری، ع.، ۱۳۹۲، میانجی گری کیفری، ساز و کارهای دیرین حل و فصل منازعات، ماهنامه دادرسی، شماره ۱۰۱، سال هفدهم.
- غفارپور مراغی، ح.، ۱۳۶۹، قتل شبه عمد، کتابخانه گنج دانش، چاپ اول.
- فلاح سلو کلایی، م.، ۱۳۸۲؛ تفاوت زن و مرد در قصاص، مجموعه مقالات همایش بررسی وضعیت حقوق زنان در نظام حقوقی ایران، بابلسر (دانشگاه مازندران) ۱۷ اسفند.
- فرجیها، م.، ۱۳۸۷، تأثیر مشارکت شغلی زنان در حوزه عدالت کیفری، در کتاب زن و حقوق کیفری. مجموعه مقاله ها، نتایج کار گروه ها و اسناد نخستین همایش بین المللی زن و حقوق کیفری، گذشته، حال و آینده.
- قضائی، م.؛ ۱۳۸۲، بررسی آثار حقوقی الحاق جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون رفع کلیه تبعیض علیه زنان با شرط کلی، مجموعه مقالات همایش بررسی وضعیت حقوق زنان در نظام حقوقی ایران، بابلسر (دانشگاه مازندران) ۱۷ اسفند.
- نگاهی بر پروژه های آموزش حقوق زنان با همکاری سازمان ملل، شماره ۵۱، تاریخ ۱۳۸۰/۹/۲۲ سال اول.
- نیازپور، ا. ح.؛ ۱۳۸۲، پیشگیری از بزهکاری در قانون اسلامی ایران و لایحه قانون پیشگیری از وقوع جرم، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۴۵.
- نجفی ابرند آبادی، ع. ح.، هاشم بیگی، ح.، ۱۳۷۷، دانشنامه جرم شناسی، تهران، دانشگاه شهید بهشتی، چاپ نخست.
- هاشمی، س. ح.، ۱۳۸۸، حجاب و عفاف، نقدی بر ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی در جرم انگاری بد حجابی، مجله زنان.